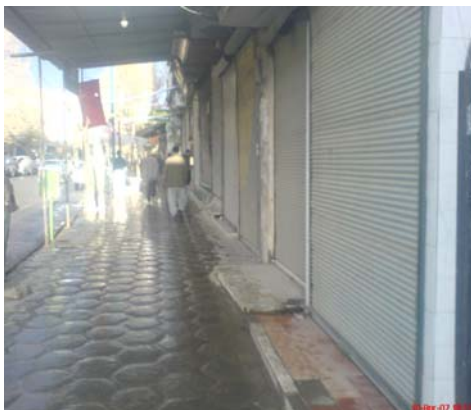


پیام صالح سرداری، محمد راستی و عبدالله دارابی به مردم مبارز مریوان



ایراندوست از سنندج به مریوان شرکت کنید. خاکسپاری این عزیز را به یک مراسم با شکوه و با شرکت شما هزاران و ده ها هزار زن و مرد جوان شهر مریوان و حومه، تبدیل کنید. نباید اجازه دهید رژیم جنایتکار مخفیانه محمد سعید را در سنندج یا مریوان به خاک بسپارد.

مردم!

همین امروز فوری و حداکثر تا فردا جمعه خواستار تحویل جنازه محمد سعید به خانواده و دوستان و شما مردم مریوان شوید. برای تجلیل از او و بر علیه این جنایت هولناک یک اعتراض عمومی راه بیاندازید. با تعطیل شهر و شرکت در مراسم بزرگ و دهها هزار نفریتان از آزادی و حقوق انسانیتان، دفاع کنید. باید عاملین این کشتار وحشیانه معرفی و مجازات شوند. کاری کنید که جنایتکاران بار دیگر جرات دست درازی به جان و آزادی و حقوق انسانیتان را به خود ندهند.

از همه مبارزین و مدافعین حقوق مدنی و انسانی شهر مریوان میخواهیم که مردم را

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که امروز یکی دیگر از قربانیان جنایت رژیم که زخمی شده بود در بیمارستانی در سنندج جان باخت. محمد سعید ایرانست و ست یکی دیگر از سرنشینان ماشین که توسط ماموران رژیم به گلوله بسته شد در گذشت.

مردم مبارز مریوان!

جنایت رژیم را نباید بی جواب گذاشت. تا کنون دو جوان بیگناه، دو تن از فرزندان شما به دست جانیان به قتل رسیده اند. اعتراض شما مردم مبارز، از جمله تعطیلی مغازه و بازار شهر و همبستگی و همدردی با خانواده و ربا و دیگر زخمیان این جنایت، میتواند و باید به شیوه های گوناگون ادامه پیدا کند.

به این جنایات هولناک و این قلدردی و قداره بندی و تهدید جان و زندگی مردم باید خاتمه داده شود. در انتقال جنازه محمد سعید

برای برپایی یک اعتراض عمومی به هر شکل ممکن و بخصوص در مراسم خاکسپاری محمد سعید عزیز یاری دهند. حکمتیستها و اعضای گارد آزادی در سازماندهی این اعتراض عمومی و انسانی وظیفه سنگین و مهمی بردوش دارند.

۲۳ فروردین ۸۶ (۱۲ آوریل ۲۰۰۷)

به مردم مبارز مریوان

چند روز قبل جنایتکاران جمهوری اسلامی ماشین حامل کمال، بختیار داستوم، و وریا محمدیان را به رگبار بستند. در این جریان متأسفانه وریای عزیز را از دست دادیم. کمال و بختیار را به شدت زخمی کردند و هنوز تحت معالجه اند. این جنایت قلبمان را به درد آورد و به حق خشم عمومی همه ما مردم مریوان و حومه را برانگیخت. به میدان آمدن شما مردم و درهم شکستن ماشین سرکوبگران و خارج کردن جنازه وریای عزیز از دست مزدوران جمهوری اسلامی عکس العمل اولیه و قابل انتظار تنفر ما و گوشه ای از این خشم عمومی علیه جمهوری اسلامی بود.



• جشن و اجتماعات بزرگ اول مه را برگزار کنیم (پیام رحمان حسین زاده به مناسبت روز جهانی کارگر) صفحه...

• اول مه، ادعانامه طبقه کارگر علیه سرمایه داری (مظفر محمدی) صفحه ...

• خبری از "مرکز خبری کمیته کردستان" صفحه ...

مرگ پر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرکز خبری کمیته کردستان

امروز و ۲۴ ساعت پس از جنایت رژیم در شهر مریوان، ماموران جمهوری اسلامی یکی دیگر از زحمتکشان مریوانی که مشغول "کول به ری" در مرز بوده به گلوله بسته و کشتند.

محمد علی ساکن روستای قولقوله است که زندگیش را از طریق خرید و فروش در مرز میگذراند. هنگامی که ماموران مزدور رژیم قصد دستگیری وی و ضبط وسایل کوله بارش را داشتند او را به گلوله بسته و به قتل رساندند. مردم مبارز شهر و منطقه مریوان این جنایات رژیم را بی جواب نخواهند گذاشت.

آغاز برنامه هر روزه تلویزیون پرتو

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از روز شنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۶ (۲۱ آوریل ۲۰۰۷) آغاز خواهد شد. این برنامه ها از تلویزیون کانال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک حزب حکمتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است. مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 14
Downlink Frequency: 11 470
Downlink Polarity: Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد. علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

ز همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.

خواستار معرفی و دستگیری دستور دهندگان و اجرا کنندگان قتل وریا باشیم. خواستار معالجه موثر بختیار و کمال با استانداردی بالا و تقبل تمام هزینه آن به عهده دولت باشیم. خواستار بازپرداخت تمام خسارت مادی وارده در این ماجرا به خانواده وریا و زخمیهای این ماجرا باشیم. خواستار پایان دادن به تهدید و مانورهای گاه و بیگاه نیروهای نظامی و انتظامی و حضور آنها در سطح شهرو در محلات زندگی مردم باشیم. اعلام کنیم دست نیروهای سرکوبگر و انتظامی جمهوری اسلامی از سر مردم کوتاه شود. اینها میتواند، خواسته های فوری تداوم ابتکارات اعتراضی صفوف متحد ما مردم باشد.

از طرف دیگر خانواده و بستگان داغیده وریای عزیز اینروزها کماکان باید شاهد همبستگی و اتحاد و محبت دسته دسته مردم با خود باشند. علاوه بر آن سازمانیافته و گروه گروه باید به عیادت زخمیهای این واقعه در بیمارستان رفت. عیادت از آنها باید به ابتکار مبارزاتی مردم تبدیل شود.

در این ماجرا وریا محمدیان را از دست دادیم، عزیزانی زخمی شده اند و تلفات انسانی دیده ایم. اما اتحاد و همبستگی مردم و اقدامات مبارزاتی در مقابل جمهوری اسلامی باید بتواند بخشی از این تلفات تحمیل شده به مردم را جبران کند.

در خاتمه ما بار دیگر به اعتصاب و حرکت مبارزاتی شما مردم درود میفرستیم. همگام و محکم این مبارزه متحد را باید ادامه دهیم. از دست دادن وریا را به خانواده و بستگان وی و مردم مریوان تسلیت میگوییم.

گرامی باد یاد وریا محمدیان
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری

۲۳ فروردین ۱۳۸۶ (۱۲ آوریل ۲۰۰۷)

عبدالله دارابی - محمد راستی - صالح سرداری

جمهوری اسلامی در مقابل اعمال جنایتکارانه اش لازمست با اعتراض بر حق ما مردم جواب بگیرد.

در تداوم اعتراض بر حقان، اعتصاب عمومی ۲۱ فروردین جایگاه مهمی داشت. بار دیگر نشان دادید، اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی بی جواب نخواهد ماند. یکبار دیگر، عزم و اراده متحد شما مردم و نفرت و اعتراض جمعی راه مقابله با دست درازیهای این رژیم دمنش علیه زندگی و امنیت مردم را نشان داده است. یکبار دیگر نشان دادید، راه موثرمقابله با جمهوری اسلامی و اعمال جنایتکارانه اش حرکت متحد و همبسته ما مردم است.

اعتصاب عمومی و اعتراض جمعی شما مردم را ارج میگذاریم و به این مناسبت به همه شما مردم درود میفرستیم. ما و همه حکمتیستها در مریوان و حومه گام به گام شریک این مبارزه متحد و قدرتمند بوده و لازمست دست در دست هم ابتکارات دیگری را علیه این جنایت جمهوری اسلامی پیگیری کنیم. باید چنان فشاری را علیه این رژیم سازمان دهیم، که سرکوبگران جمهوری اسلامی به آسانی نتوانند، چنین جنایتهایی را تکرار کنند. اقدامات تاکنونی بسیار مثبت و قابل تحسین است. اما بیایید به اقدامات بعدی فکر کنیم.

مردم آزادیخواه مریوان!

هنوز بختیار و کمال عزیز با تحمل درد و رنج ناشی از زخم عمیقی که بر پیکر خود دارند، تحت نظر رژیم هستند. هنوز برای معالجه موثر و بازگرداندن سلامتی و بهبود کامل آنها تضمین کافی وجود ندارد. هنوز نه تنها قاتلین این جنایت دستگیر نشده و در معرض جوابگویی این عمل جنایتکارانه شان نیستند، بلکه به وظیفه جنایتکارانه شان در صفوف نیروهای نظامی و جانی جمهوری اسلامی ادامه میدهند.

ما مردم نباید این وضعیت را تحمل کنیم. در ابتکارات مبارزاتی بعدی باید

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!



جشن و اجتماعات بزرگ اول مه را برگزار کنیم

(پیام رحمان حسین زاده به مناسبت روز جهانی کارگر)

کارگران !

روز ما، روز جهانی کارگر نزدیک است. و همبستگی طبقاتی و فرصتی برای اعلام اراده سازمانیافته کارگران برای تغییر این دنیای وارونه است. در این تنها روزمتعلق به طبقه ما و همه انسانهای تحت ستم همگام و همزمان و در یک روز ابراز وجود کنیم. کمتر روزی هست که همانند روز کارگر بتواند دو دنیای متفاوت جامعه انسانی را ترسیم کند. این دو دنیای متفاوت را در مقابل هم ترسیم کند. دنیایی متعلق به اکثریت عظیم انسان کارگر و مردم تحت ستم و دنیای متعلق به اقلیت انگل استثمارگر سرمایه دار. در روزی که اکثریت عظیم جامعه می خواهد جشن و اجتماعات بزرگ خود را برگزار کند، اقلیت سرمایه دار و دولتهای حامی با نفرت طبقاتی و هنوز در بسیاری کشورها با حمله اوباش نظامی و نیروی سرکوب با جشن کارگران و مردم آزادیخواه مقابله میکنند.

روز کارگر، فرصتی برای ارتقاء آگاهی بیشتر کارگران و جامعه انسانی به مصائب نظم ضد انسانی سرمایه، فرصتی برای اتحاد و همبستگی طبقاتی و فرصتی برای اعلام اراده سازمانیافته کارگران برای تغییر این دنیای وارونه است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هر ساله برگزاری سراسر جشن و اجتماعات روز کارگر با فشارهای نیروی سرکوب جمهوری اسلامی و با شگرد و نمایشات ارگانهای ضد کارگری جمهوری اسلامی همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی روبرو است. امسال نیز آگاهانه و متحدانه باید فشارها و موانع جمهوری اسلامی را خنثی کرد. بر برگزاری جشن و اجتماعات بزرگ کارگران و مردم آزادیخواه تاکید کرد.

اول مه روز ما کارگران است. این حق اولیه ما است، این روز را تعطیل کنیم. در فکر جشن باشیم. لباس نو بپوشیم و دست در دست خانواده و همکاران و همسران و هموطنان هم محله ایمان در سطح شهر و در مکان تعیین شده جشن و متینگ اول مه اجتماع ۲۳ فروردین ۱۳۸۶ (۱۲ آوریل ۲۰۰۷)

ادامه از صفحه ۴

بپذیریم آنوقت این سوال مطرح میشود که چکار کنیم تا این هدف متحقق شود؟ چگونه صف میلیونی طبقه مان را به میدان بیاوریم. جواب این سوال را توده کارگر بطور کلی و یا احاد کارگران نمیتواند بدهد. اینجاست که دیگر پای فعالین کارگری و کارگران سوسیالیست و کمونیست به میدان میاید. فعالینی که کارگران را با این افق آشنا و متحد میکنند و به میدان میاروند و با این افق و هدف سراغ تدارک اول مه میروند. هفته ها و روزهایی که در پیش داریم زمان تدارک این کار است. چه بلحاظ تبلیغی و چه عملی. این مدت زمان لحظات آژیتاسیونهای سوسیالیستی کارگری است. روزهای طرح ادعائنامه های کارگری علیه بردگر مزدی است. آشنا کردن طبقه کارگر بموقعیت اجتماعی و اقتصادی و صاحب جامعه بودنش است. بدون این نمیشود طبقه کارگر را برای این هدف در اول مه جمع کرد.

طبقه کارگر متفرق است. این تفرقه را میتوان هم با مبارزه و اعتراض و اعتصاب و همبستگی کارگری و ایجاد تشکلهای کارگری از بین برد و هم در فرصتهایی مثل همین اول مه میشود به آن ضربه کاری وارد آورد. به طبقه کارگر اعتماد بنفس داد و قدرت نمایی کرد.

در اول مه روز کارگر مطالبه ای متحقق نمیشود مثل حقوق معوقه یا حق صنفی. اما اعتماد بنفس و قوت قلب و ابراز وجود قدرتمندی حاصل میشود که تأثیرش تا مدتها زنده میماند و پشتوانه تحركات و اعتراضات و مبارزات کارگری برای احقاق حقوق کارگری و صنفی است.

تماس با کمیته کردستان حزب حکمتیست

رحمان مسین زاده: دبیر کمیته کردستان ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷ - husienzade_r@yahoo.com
اسد گلچینی: دبیر کمیته شهرهای کردستان ۰۰۴۶۷۹۴۰۴۱۶۷۶۸ - agolchini@yahoo.com
عبدالله دارابی: فرمانده گارد آزادی ۰۰۴۶۷۰۵۴۰۲۱۳۳ - darabi.abe@gmail.com



اول مه، ادعانامه طبقه کارگر علیه سرمایه داری

مظفر محمدی

در این روز کارگر میاید و میگوید، من که

بخش کارگری نیست. دوما؛ این بیانیه ادعانامه طبقه کارگر در محکومیت سرمایه داری و تبعیض و ستم و استثمار آن است. و نشان دادن راه برون رفت از آن، یعنی لغو کار مزدی است و ایجاد جامعه آزاد و برابر، جامعه ای سوسیالیستی، از هر کس به اندازه توانش و به هر کس باندازه نیازش.

بیانیه کارگران، ادعانامه طبقه کارگر علیه فقر و ستم و فلاکت جامعه سرمایه داری، علیه استبداد آن، علیه تبعیض جنسی، بی حقوقی کودک و محدود کردن یا سلب آزادیهای فردی و اجتماعی، علیه اعتیاد و فقر و فحشای آن و علیه استثمار انسان توسط انسان است.

این ادعانامه دست رد به سینه همه معیارها و ارزشهایی است که جامعه سرمایه داری آنها را مافوق انسان قرار داده و بشر را اسیر و برده آنها کرده است. از پول و اقتصاد تا سیاست و فرهنگ و مذهب تا اخلاقیات عقب مانده و ...

اول مه روزی است که طبقه کارگر اعلام میکند، مینا، انسان است. انسان اول است. چه زن چه مرد، سیاه یا سفید، مذهبی یا بی مذهب و یا ساکن این و آن کشور... انسان آزاد و برابر است و حقوق شهروندی اش محترم و همه جا صرف نظر از قوم و جنس و مذهب و نژاد و... برابر است.

طبقه کارگر به این و آن قوم و طایفه و مذهب و کشور و جنس تقسیم نمیشود، منافعش مشترك است، چیزی جز زنجیرهای بردگی کار مزدی بر دست و پایش ندارد تا از دست بدهد. و اگر به میدان بیاید و قدرت بگیرد دنیایی را بدست میآورد و بشریت را آزاد میکند. این رسالت و وظیفه اول مه است نه کمتر و نه بیشتر. اول مه نه روزی برای سرنگون کردن حکومتی در این و آن کشور و نه روزی برای تحقق مطالبات کارگری است. بلکه روز ابراز وجود قدرتمند طبقه کارگر است. ادامه در صفحه ۳

همه نعمات و وسایل و نیازهای بشر را تامین میکنم چرا صاحب جامعه نیستم؟ چرا قدرت دستم نیست؟ چرا من حکومت نمیکم؟ چرا من کار کنم و کس دیگری حکومت کند؟ این دنیا وارونه است. اکثریت کارکن جامعه محرومند و اقلیت مفت خور همه کاره اند و صاحب همه چیزاند حتی نیروی کار بازوان من. چرا؟

اول مه گذاشتن این علامت سوال جلو روی جامعه و قبل از هر کس جلو روی کل طبقه کارگر در هر کشوری است.

بنابراین اول مه روز ابراز وجود قدرتمند کل طبقه کارگر است. روزی است که طبقه کارگر، نه به مثابه آحاد کارگر یا این و آن صنف کارگری، بلکه به عنوان طبقه ای جهانی و در هر کشوری، ادعانامه اش را صادر میکند، مدعی قدرت میشود، مدعی مالکیت نیروی کار و تولید خودش میشود و مبشر آزادی و برابری برای کل انسانهای جامعه است.

۴- آیا اول مه روز آکسیون اعتراض به چیزی و یا طرح مطالبات کارگری هم هست؟ اشتباه است اگر اول مه را روز اعتراض یا اعتصاب برای این و آن خواست صنفی کارگران و در این و آن کارخانه و فابریک به حساب آورد. حتی اگر کارگران در قطعنامه و بیانیه هایشان خواستهایی مطرح کنند یا به قوانینی اعتراض کنند، مثل قانون کار یا قراردادهای موقت و یا افزایش دستمزد بخواهند، اما این هدف نیست. اول مه روز اعتصاب کارگری مثلا برای لغو قانون قراردادهای موقت کار، نیست. اگر اینطور باشد باید روز و روزهای بعد و تا لغو این قانون اعتراض و اعتصاب ادامه یابد. بنابراین اشتباه است اگر روز کارگر به طرح خواستههای صنفی کارگران محدود شود. طبقه کارگر اگر قطعنامه یا بیانیه میدهد،

اولا؛ این بیانیه و یا ادعانامه سراسری است. قطعنامه این و آن صنف و یا مطالبات هر

اول مه را میتوان از دیدگاههای مختلف بررسی و به آن نگاه کرد. از جمله:

۱- بزرگداشت يك روز تاریخی و حفظ يك سنت در جنبش طبقه کارگر. امروزه در کشورهای صنعتی و پیشرفته و نسبتا آزاد اروپایی متأسفانه به اول مه اساسا از این دیدگاه نگاه و برخورد میشود. این به خودی خود بد نیست اما مطلقا کافی نیست.

۲- اول مه را میتوان از زاویه همبستگی بین المللی کارگری نگاه کرد و به استقبالش رفت و یاد آوری کرد که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است و مرز و کشور نمیشناسد. همانطوریکه سرمایه جهانی است. این نگاه هم به اول مه لازم و مفید است اما کافی نیست.

۳- اول مه روز ابراز وجود قدرتمند طبقه کارگر در صحنه جامعه و در کشورهای مختلف و هر کجا که زورش بیشتر میرسد، است.

از نظر من اول مه را باید اساسا و در دنیای امروز از این زاویه نگاه کرد و با این هدف به استقبال آن رفت و تدارك انجامش را دید.

بورژوازی سعی میکند طبقه کارگر فراموش شده و یا به آحاد و افراد و شهروندان عادی جامعه تقسیم و یا در ان ادغام شوند. در اکثر کشورهای سرمایه داری اخبار مبارزات کارگری منعکس نمیشود. در کشورهای با نظامهای استبدادی و عقب مانده تلاش میکنند تا شرایط زندگی فلاکتبار طبقه کارگر به امری عادی و پذیرفته شده تبدیل گردد.

اول مه روز گفتن "نه" طبقه کارگر به سیستم، روش و نظام سرمایه داری است. اول مه روزی است که طبقه کارگر میاید و اعلام میکند که، تولید کننده همه نعمات زندگی است. اگر طبقه کارگر کارگر نکند جامعه میخوابد. زندگی میخوابد. کارگران اگر يك روز کار نکنند حمل و نقل می ایستد، نفتی صادر نمیشود، ماشینی تولید نمیگردد، از لباس و کفش و کلاه و رفاهیات در بازار خبری نیست، نانی از تنور در نمیآید و آشغال از سرو کول آقایان شکم سیر بالا میرود...